



فرناز حسینی زاده
روزنامه نگار

پوپولیسم یا کمپنیسم

جامعه سرخورده و ناراضی مستعد کدام خطر است؟

نظریه پردازان و تئوریسین های بسیاری بر این باورند که پوپولیست ها از «نژادپرستی» هم بهره بسیاری می برند اما کمتر کسی فراموش کرده داستان «ایران دوستی» یاران احمدی نژاد چقدر پیرنگ سست و ضعیفی داشت و از سوی جامعه پس زده شد. اگر چه هنوز هیچ تعریف روشن و واضحی از پوپولیسم ارائه نشده که مورد وثوق همگان یا اکثریت باشد اما اکثریت روی این دیدگاه اشتراک نظر دارند که ضد روشنفکری و سوار شدن بر احساسات تهییج شده توده مردم، ترجیح بند انواع پوپولیسم است. بر همین اساس می توان انتظار داشت در سال های آینده با جلوه های متفاوت و البته پیچیده ای از پوپولیسم مواجه شویم که توفیق و عدم توفیق شان شرایط متفاوتی می طلبد. اما کمتر کسی تردید دارد، جامعه کم درآمد، حاشیه نشین، سرخورده، نادیده و ناراضی، این قابلیت را ندارد که خلاف جریان فکری روشنفکران، نخبگان و گاه حتی سیاست رسمی و حکومتی شنا کند.

بسیاری معتقدند جوامع در حال توسعه ای که اکثریت آن با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می کند، جامعه بیکار فربه ای دارد، سیستم توزیع امکانات عادلانه بنظر نمی آید و بین آحاد جامعه گسست های اجتماعی متعدد یا عمیقی وجود دارد «معد پوپولیسم» است؛ اما واقعیت این است که پدیده ای چون ظهور «پوپولیست» ها در ایران بیش از هر چیز محصول «غفلت» است. در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم، محمود احمدی نژاد برای هیچ کدام از جریان های سیاسی که در میان نامزدها، نماینده داشتند اصلاً نگران کننده و قابل توجه نبود؛ اما غفلت، درختی است که همیشه میوه می دهد و ۳ تیر سال ۸۴ هم به بار نشست. برخی خوشبینانه بر این باورند، ۸ سال کشورداری احمدی نژاد و همفکران سیاسی او جامعه را چنان نسبت به پوپولیست ها واکسینه کرد که تاسی به آن روش ها و منش ها بیش از آنکه ژست سیاسی باشد، فحش سیاسی است اما کمتر کسی می تواند تضمین کند نوع دیگری از پوپولیست دوباره اداره امور را در دست نگیرد؟

با این مقدمات، قابل درک است که نخبگان، روشنفکران و سلیقه سیاسی حاکم به جای «پوپولیست ها» نگران «لمپن» ها نیستند؛ بویژه که از سال ۹۲ به بعد روی کار آمدن دولت شبه انتلافی حسن روحانی که در کابینه اش اصلاح طلب و اصولگرا کنار هم قرار گرفتند و انتخابات مجلس بدون اکثریت دهم که اصلاح طلبان به علی لاریجانی رأی می دهند و اصولگرایان به علی مطهری رأی نمی دهند، دیگر نمی توان در انتخابات های از این پس شاهد دوگانگی اصلاح طلب و اصولگرا بود. در نگاه بخشی از جامعه، اصلاح طلبان و اصولگرایان یکی هستند که خیلی جاها هم برداشت اشتباهی نیست. زیرا انتخابات سال ۸۸ و وقایع

خطر بازگشت پوپولیسم در ایران بیشتر است یا کمپنیسم؟ این پرسش و فرضیه در نگاه اول ممکن است از اساس اشتباه به نظر بیاید؛ چه فارغ از تعریف نامنسجم و سیال این مفاهیم - که بشدت به نمونه های تاریخی خود وابسته است - هر کدام از این پدیده ها، پیشینه و مصداق های بسیار متفاوتی در جهان داشته اند. مصداق های وطنی نیز اکثراً مؤید این دیدگاه بوده اند که خیلی از پدیده های وارداتی به محض ورود به کشور دفرمه می شوند.

پوپولیسم و کمپنیسم هم چنین میدان عمل خود را دارند و باز تولید شان محصول یک جغرافیای سیاسی خاص است و شاید به همین دلیل است که بسیاری از فعالان سیاسی هیچ گاه خطر بازگشت «کمپنیسم» را یا احساس نکرده یا ابراز نکرده اند؛ در عوض می توان دیدگاه های فراوانی یافت که درباره ظهور مجدد «پوپولیسم» اخطار داده اند. پدیده ای که به اعتقاد خیلی ها نمونه مؤخرش محمود احمدی نژاد و بخش بزرگی از دولت او بود. منطقی که در پس این نگرانی وجود دارد، برای بسیاری قابل درک است؛ زیرا به باور آنها که خیلی هم با واقعیت ناهمخوان نیست، هنوز زمینه ها و ظرفیت هایی که دست پوپولیست را از آستین احمدی نژاد بیرون آورد، وجود دارد.

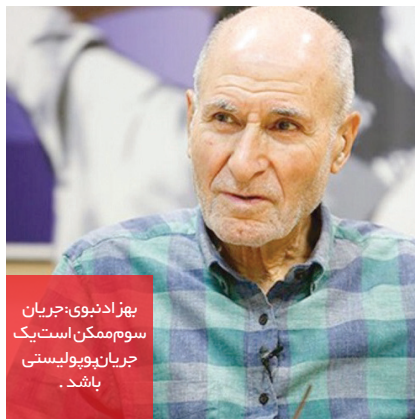
شماری از اهالی رسانه و سیاست معتقد بودند که در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، سید ابراهیم رئیسی نیز به دنبال کسب آرا با روش های پوپولیستی بود اما واقعیت ماجرا این بود که محمد باقر قالیباف شهر دار اسبق و اصولگرای تهران بسیار تلاش کرد تا از روش آزموده شده احمدی نژاد یا همان پوپولیسم بهره بگیرد. هر چند ژست اکثریت گرا و تلاش برای بهره گیری از ضدیت دهک های کم درآمد و پردرآمد یا طبقات فرو دست و فرادست ذیل شعار «۴۰ درصدی ها» در کنار وعده های «سوپر منی» مانند چند برابر کردن یارانه ها و ایجاد میلیون ها شغل برای نجات جامعه ناراضی از سمت همفکران سیاسی و اردوگاه رأی پذیرفته نشد، اما نمی شد بازی بد قالیباف را به حساب عبور جامعه از پوپولیست ها تلقی کرد. به اعتقاد ناظران، قالیباف در صحنه انتخابات ۹۶، یک بازیگر بی استعداد برای

نقش مثبتی بود که از فرط اغراق به کار تونی ترحم آور تبدیل شده بود که کاندیداتوری را کاریکاتوری بازی می کرد. اما اگر کارگردان و بازی ساز ماهر روی صحنه بیاید، باز هم با عدم اقبال مواجه خواهد شد؟

بسیاری بر این باورند که انتخاب پوپولیست ها ناشی از کم سواد ی یا ناآگاهی اردوگاه رأی است، اما روی کار آمدن پوپولیستی چون نیکولا سارکوزی که در برابر «فرانسوی های بی حال و خوشگذران» خود را نماینده «فرانسه کار» و «فرانسوی هایی که صبح زود از خواب بیدار می شوند» می دانست، نشان از این داشت که نمی توان برای تمام پوپولیست ها یک قبا دوخت.



باهر: اگر شورای نگهبان کمی کوتاه بیاید، یک «شومن» قوی می تواند رئیس جمهور شود.



بهرز ادنوی: جریان سوم ممکن است یک جریان پوپولیستی باشد.